

	<b>If-clause</b> (condition)	<b>Main clause</b> (result)
<b>Zero Conditional</b> - used for <b>present</b> , <b>real/factual</b> situations	If I <b>drink</b> coffee at night,	I <b>don't</b> sleep well.
<b>First Conditional</b> - used for <b>future</b> <b>real/factual</b> situations	If I <b>drink</b> coffee tonight,	I <b>won't</b> sleep well.
<b>Second Conditional</b> - used for present or <b>future unreal</b> , imaginary situations	If I <b>drank</b> coffee tonight,	I <b>wouldn't</b> sleep well.
<b>Third Conditional</b> - used for <b>past unreal</b> , imaginary situations	If I <b>had drunk</b> coffee last night,	I <b>wouldn't</b> have slept well.

## آموزش جملات شرطی در زبان انگلیسی به زبان ساده

هر چیزی که درباره شرط ها در انگلیسی باید بدانید را در این مطلب به زبان کاملا ساده برایتان بیان می کنیم. هر سوالی در این باره دارید در بخش نظرات با ما مطرح نمایید.

### شرط انگلیسی

ساختارهایی در زبان انگلیسی وجود دارد که شرطی (conditional) نامیده می شوند و برای صحبت در مورد موقعیت های ممکن یا خیالی به کار می روند. یک "شرط" یک "وضعیت یا چگونگی" است.

به عنوان مثال:

**If** a certain condition is true, **then** a particular result happens.

(اگر شرط خاص درست باشد، نتیجه خاص اتفاق می افتد.)

چهار شرط اساسی در زبان انگلیسی وجود دارد:

- شرطی نوع صفر
- شرطی نوع اول
- شرطی نوع دوم
- شرطی نوع سوم

برخی شروط دیگر هم وجود دارد که با ترکیبی از این چهار مورد به وجود آمده اند.

## ساختار جملات شرطی

ساختار شرط ها ساده است. در این جمله دو احتمال اساسی وجود دارد:

IF	Condition	Result
If اگر	it rains, باران ببارد	we will get wet ما خیس خواهیم شد.

یا مانند این:

Result	IF	Condition
We will get wet ما خیس خواهیم شد	If اگر	it rains. باران ببارد

توجه داشته باشید که در مثال اول فقط از یک کاما استفاده می کنیم.

## شرط ها: جدول زمان و احتمالات

Probability	Conditional	Example	Time
Certain قطعیت	zero conditional شرطی نوع صفر	If you heat water to 100 degrees celsius, it boils اگر آب را تا 100 درجه سانتیگراد گرم کنید، جوش می آید	any time هر زمانی
Likely احتمال	first conditional شرطی نوع اول	If it rains, I will stay in. اگر باران ببارد، من داخل خواهم ماند	future آینده
Unlikely بعید	second conditional شرطی نوع دوم	If I won the lottery, I would retire. اگر من لاتاری را بردم، بازنشسته می شوم	future آینده
Impossible غیرممکن	second conditional شرطی نوع دوم	If I had the money, I would lend it to you اگر پول داشته باشم، به شما قرض می دهم	present حال
Impossible غیر ممکن	third conditional شرطی نوع سوم	If I had seen him, I would have given him the message. اگر او را دیده بودم، پیام را به او داده بودم	past گذشته

## شرطی نوع صفر: قطعیت

شرط صفر برای مواردی استفاده می شود که نتیجه همیشه درست است تا زمانی که شرط برقرار باشد.

IF	Condition	Result	Situation
	present simple حال ساده	present simple حال ساده	
If اگر	you heat water to 100 degrees celsius, اگر آب را تا 100 درجه سانتیگراد گرم کنید	it boils. می جوشد	fact- universal حقیقت عمومی
	present simple	present simple	

	حال ساده	حال ساده	
If اگر	I drink coffee, قهوه بنوشم	I get a headache. سر درد می گیرم	fact- personal حقیقت شخصی

در این مثال ها اگر شرط برقرار باشد، نتیجه همیشه رخ می دهد، بنابراین زمان مهم نیست.

### شرطی نوع اول: احتمال واقعی در آینده

در شرطی نوع اول، جمله شرط یکی از دو اقدام آتی است که باید قبل از جمله دوم (نتیجه) به وقوع بپیوندد. دانشجویی که می خواهد به دانشگاه برود، اما هنوز نتیجه امتحان خود را دریافت نکرده است و تا زمانی که نتیجه را دریافت نکند، نمی تواند به دانشگاه برود. در مورد یک دانشجوی خوب که انتظار می رود نمرات خوب کسب کند، احتمالا امکان دستیابی به تحصیل در دانشگاه وجود دارد، بنابراین می توان از عبارت زیر استفاده کرد:

IF	Condition	Result
	present simple حال ساده	WILL + base verb
If اگر	she gets good grades, او نمرات خوبی بگیرد	she will go to university. او به دانشگاه خواهد رفت

ما در مورد آینده حرف می زنیم، اما از زمان حال برای شرط و از زمان آینده برای نتیجه استفاده می کنیم. در این مثال، فرد در مورد رفتن به دانشگاه مطمئن است. در بخش نتیجه جمله می توانیم از سایر افعال مدال استفاده کنیم:

IF	Condition	Result	Possibility
If	she gets good grades, او نمرات خوبی بگیرد	she <b>will</b> go to university. او به دانشگاه خواهد رفت	she <b>will</b> go to university. او به دانشگاه خواهد رفت
If	he gets good grades, او نمرات خوبی بگیرد	he <b>may</b> go to university. او ممکن است به دانشگاه برود	He is <b>not sure</b> about going to university. او در مورد رفتن به دانشگاه مطمئن نیست.
If	she gets good grades, او نمرات خوبی بگیرد	she <b>should</b> go to university. او بهتر است به دانشگاه برود.	The speaker is expressing his or her <b>opinion</b> , giving <b>advice</b> . سخنران نظر خود را بیان می کند و مشاوره می دهد
If	he gets good grades, او نمرات خوبی بگیرد	he <b>can</b> go to university. او می تواند به دانشگاه برود.	This means that it is <b>possible</b> . معنی ممکن بودن می دهد
If	she gets good grades, او نمرات خوبی بگیرد	she <b>could</b> go to university. او می تواند به دانشگاه برود.	This means that it is <b>possible</b> , but <b>not that likely</b> . معنی ممکن بودن می دهد اما نه به احتمال زیاد
If	he gets good grades, او نمرات خوبی بگیرد	he <b>might</b> go to university. او ممکن است به دانشگاه برود.	This means that it is <b>possible</b> , but <b>not that likely</b> . معنی ممکن بودن می دهد اما نه به احتمال زیاد

همچنین می توان از اشکال مختلف زمان حال در قسمت شرط جمله استفاده کرد:

IF	Condition	Reason for tense	Result
	<b>present simple</b> حال ساده	an action in the future اقدام آینده	
If	I <b>see</b> her, من او را ببینم		I'll ask her about it. از او سوال خواهم پرسید
	<b>present progressive</b> حال استمراری	an unfinished present action اقدام ناتمام فعلی	
If	they <b>are still working</b> , آن ها هنوز مشغول کار باشند		I'll go home. به خانه می روم
	<b>present progressive</b> حال استمراری	a future arrangement ترتیب آینده	
If	they <b>are going</b> , آن ها می روند		I'll stay at home. من در خانه می مانم
	<b>present perfect</b> ماضی نقلی	a finished action related to now یک عمل تمام شده مربوط به حال حاضر	
If	you <b>have finished</b> your meal, غذا را به پایان برسانید		I'll clear away the plates. من بشقاب ها را تمیز می کنم
	<b>WILL + base verb</b>	making an agreement ایجاد ترتیب	<b>WILL + base verb</b>
If	you <b>will</b> work late today, اگر امروز تا دیروقت کار کنید		I <b>will let</b> you have Friday off. من به شما اجازه می دهم روز جمعه را مرخصی باشید
	<b>WILL + base verb</b>	expressing displeasure because someone insists on doing something ابراز نارضایتی چون کسی اصرار دارد کاری انجام دهد	<b>WILL + base verb</b>
If	you <b>will drive</b> too fast, بیش از حد سریع رانندگی کنید		the police <b>will stop</b> you. پلیس شما را متوقف خواهد کرد

### شرطی نوع دوم: وضعیت خیالی یا آینده غیر محتمل

شرطی نوع دوم برای صحبت در مورد شرایط فعلی فرضی یا خیالی استفاده می شود که ما چیزی متفاوت از آنچه که واقعا اتفاق می افتد، تصور می کنیم. همچنین برای بحث در مورد چیزهایی که بعید به نظر می رسد در آینده اتفاق افتد استفاده می شود. از زمان گذشته در شرط و از would برای نتیجه استفاده می کنیم.

IF	Condition	Time	Result	Possibility
	شرط	زمان	نتیجه	احتمال
	<b>past simple</b>	<b>present</b>	<b>WOULD + base verb</b>	<b>Impossible</b>

	گذشته ساده	حال		غیر ممکن
If	I <b>had</b> the time, وقت داشتم		I <b>would learn</b> Italian. ایتالیایی یاد می گرفتیم.	I don't have the time, so I'm not going to learn Italian. من وقت ندارم، بنابراین نمی خواهم ایتالیایی یاد بگیرم.
	<b>past simple</b> گذشته ساده	<b>future</b> آینده	<b>WOULD + base verb</b>	<b>unlikely</b> غیر ممکن
If	I <b>won</b> the lottery برنده لاتاری شدم		I <b>would travel</b> around the world. به سراسر جهان سفر می کنم.	There's a very small chance of winning the lottery, so the trip is unlikely شانس بسیار کمی برای برنده شدن در قرعه کشی وجود دارد، بنابراین سفر بعید است.

می توانیم از سایر افعال مدال در زمان گذشته در نتیجه جمله استفاده کنیم:

IF	Condition شرط	Result نتیجه	Certainty قطعیت
	<b>past simple</b> گذشته ساده	<b>WOULD + base verb</b>	
If	I <b>had</b> the time, وقت داشتم	I <b>would learn</b> Italian. ایتالیایی یاد می گرفتیم.	Although unlikely to happen, the speaker is <b>sure</b> that they would do it given the opportunity. اگرچه بعید است اتفاق بیفتد، گوینده مطمئن است که این کار را با توجه به فرصت انجام خواهد داد.
If	I <b>had</b> more time, وقت بیشتری داشتم	I <b>might learn</b> Spanish. شاید بتوانم اسپانیایی یاد بگیرم	Although unlikely to happen, it is only a <b>possibility</b> anyway. اگر چه بعید است اتفاق بیفتد، ولی تنها یک احتمال است.
If	I <b>had</b> more time, وقت بیشتری داشتم	I <b>should learn</b> some more about IT. باید بیشتر در مورد فناوری اطلاعات بدانم	Although unlikely to happen, the speaker is saying that it would be a <b>good idea</b> , but is not <b>committed</b> to it. اگرچه بعید است اتفاق بیفتد، گوینده می گوید که این ایده خوبی است، اما به آن متعهد نیست.
If	I <b>had</b> more time وقت بیشتری داشتم	I <b>could learn</b> Hindi. می توانم هندی یاد بگیرم.	Although unlikely to happen, it is only a <b>possibility</b> anyway. اگر چه بعید است اتفاق بیفتد، ولی تنها یک احتمال است.

برای افعال to be, دو شکل وجود دارد که با I, she, he و it استفاده می شود:

IF	Condition شرط	Result نتیجه
I, he, she, it	<b>Were</b>	

If	I <b>were</b> you, جای شما بودم	I'd marry her. با او ازدواج می کردم
I, he, she, it	<b>Was</b>	
If	I <b>was</b> you, جای شما بودم	I'd marry her. با او ازدواج می کردم

### شرطی نوع سوم: تصورات گذشته

زمانی که در مورد گذشته صحبت می کنیم و تصورات متفاوت از واقعیت اتفاق می افتند، استفاده می شود:

	Condition شرط	Result نتیجه	What actually happened واقعا چه رخ داده است
	<b>Past Perfect</b> گذشته نقلی	<b>WOULD HAVE + Past Participle</b>	
If	I <b>had known</b> , می دانستم	I <b>would have helped</b> . کمک می کردم	I didn't know and didn't help. من نمی دانستم و کمک نکردم.

IF	Condition شرط	Result نتیجه	Certainty قطعیت
	<b>past perfect</b> گذشته نقلی	<b>WOULD HAVE+ past participle</b>	
If	I <b>had known</b> , می دانستم	I <b>would have helped</b> . کمک می کردم	Although this didn't happen, the speaker is <b>sure</b> about the result. اگرچه اتفاق رخ نداد، اما گوینده در مورد نتیجه مطمئن است
If	I <b>had known</b> , می دانستم	I <b>could have helped</b> . می توانستم کمک کنم	Although this didn't happen, the result is only a <b>possibility</b> . اگر چه اتفاق رخ نداد، اما نتیجه تنها یک احتمال است
If	I <b>had known</b> , می دانستم	I <b>might have helped</b> . ممکن بود کمک کنم	Although this didn't happen, the result is only a <b>possibility</b> . اگر چه اتفاق رخ نداد، اما نتیجه تنها یک احتمال است
If	you <b>had known</b> , می دانستید	you <b>should have helped</b> . بہتر بود کمک می کردید	Although this didn't happen, it is only a good <b>suggestion</b> or piece of <b>advice</b> . اگر چه اتفاق نیافتاده است، اما این فقط یک پیشنهاد خوب یا نصیحت است

Charbzaban.com